

ماهیت‌شناسی جنبش ضد اردوغان در ترکیه

رحمت‌الله فلاح^۱

چکیده

دولت حزب عدالت ترکیه به رهبری اردوغان بعد از یک دهه حاکمیت مقتدرانه با چالش‌های اساسی از طرف بخشی از مخالفانش مواجه شد. این چالش‌ها از آن روی در کانون توجه واقع شد و صبغه امنیتی به خود گرفت که مشارکت‌های خشونت‌آمیز بر روح اعتراضات حاکم بود. مهم‌تر از همه یک مطالبه زیست‌محیطی در کوتاه‌ترین مدت به یک درخواست جدی سیاسی تبدیل گردید و شهرهای مختلف ترکیه را در بر گرفت. روند تحولات نشان داد که بخشی از مخالفان دولت اردوغان به دنبال بهانه‌ای بودند که این حزب را در اوج قدرت بی‌اعتبار سازند. عوامل مختلفی باعث همبستگی مخالفان از قشرها و گروه‌های متضاد و متفاوت بود که از آن جمله می‌توان بی‌توجهی دولت به مطالبات و هویت علویان ترکیه، ورود به منازعه با سوریه بدون توجه به منافع ملی ترکیه، واقع شدن در قطب‌بندی منطقه‌ای در بحث سوریه، تضعیف ارتش به بهانه‌های مختلف و... را نام برد. با این اوصاف دولت اردوغان با وجود حمایت بخشی از جامعه ترکیه، با

۱. کارشناس مسائل ترکیه - اوراسیا



طیفی از مخالفت‌های اجتماعی مواجه است که با حمایت عوامل و شرایط منطقه‌ای و بین‌المللی با دشواری‌های مقبولیت مواجه خواهد شد.

کلیدواژه‌ها: عثمانیسم، بیداری اسلامی، مطالعات منطقه‌ای، تحولات ترکیه، علویان ترکیه.

بیان مسئله

دولت اردوغان از سال ۲۰۱۱ طرحی داشت که پارک گزی در میدان تقسیم استانبول که قدمت هفتادساله دارد را به یک محل فرهنگی - تجاری تبدیل نماید. امری که مورد اعتراض تعدادی از دوستان و مدافعان محیط زیست قرار گرفت و برای ممانعت از آن وارد محل پارک شده و برخی از تجهیزات شهرداری را ضبط کردند تا اینکه پلیس شهر استانبول وارد عمل شده و به صورت غیرمدنی با معترضین برخورد نمود. این امر موجب گردید اعتراضات وسیع‌تر شود و در شهرهای مهم ترکیه از جمله آنکارا، از میر، آدانا، آنتالیا گسترش یابد. بنا به آماری حدود ۲۳۱ تظاهرات در ده روز اول در شهرهای مختلف برپا گردید. مطالبات و شعارهای تظاهرات کنندگان هم از سطح زیست محیط خارج و به بحث سیاسی یعنی (محدود نمودن رویکرد استبدادی اردوغان) ارتقا یافت و کنش سیاسی - امنیتی به خود گرفت. مخالفان با نشانه گرفتن اردوغان و ملقب کردن او به «دیکتاتور مدرن» خواهان عدم دخالت دولت در زندگی خصوصی‌شان شدند. آنچه از فحواي سخنان آنها استنباط می‌شود این است که می‌خواهند در کشوری لائیک‌تر و آزادتر زندگی کنند. تظاهرکنندگان عکس‌هایی از کمال پاشا (آتاتورک) را در دست گرفته یا اینکه لباس‌های قرمز یا سفید پوشیده‌اند که نماد ملی‌گرایی در ترکیه است. گفتنی است که این دو موضوع نقش احزاب جمهوری خواه خلق و حرکت ملی را در انسجام معترضان نمایان‌تر می‌کند؛ تا جایی که ده‌ها میلیون دلار آسیب به اموال دولتی و عمومی توسط معترضین وارد شد. احزاب و گروه‌های مختلفی از این فضا در جهت تضعیف دولت اردوغان بهره بردند و واکنش‌های اتحادیه اروپا، امریکا، روسیه هم به نوعی بر فشار روانی بر دولت ترکیه افزود. شخص اردوغان از بابت اقدامات غیرمدنی پلیس عذرخواهی نکرد، ولی معاون آن بلنت آرنج به صورت ضمنی از معترضین عذرخواهی کرد. عبدالله گل رئیس‌جمهور ترکیه نیز با بیان اینکه پیام معترضین را حکومت شنید، تلاش کرد فضا را آرام نماید. در نقطه مقابل ده‌ها هزار نفر از طرفداران اردوغان هم به بهانه‌های مختلف حمایت‌شان را از دولت اردوغان اعلام کردند.

به هر حال، وضعیت فعلی ترکیه در حوزه سیاسی جلوه‌هایی از التهاب را نشان می‌دهد. در این مقاله ضمن اشاره به مبانی رفتاری حزب عدالت و توسعه و طرفدارانش، سعی شده است به ابعاد مختلف این حرکت اجتماعی پرداخته شود.

مبانی رفتاری حزب عدالت و توسعه

در قاموس حزب عدالت و توسعه انسان ترکیه‌ای وارد شکلی از مهندسی اجتماعی - سیاسی و فرهنگی شده که امروزه فرهنگ سیاسی اکثریت جامعه با ویژگی ارایه‌شده در ذیل نمود و بروز یافته است:

- در ظرف معرفت هویتی آن‌ها، سه عنصر هویتی، یعنی مسلمان خاورمیانه‌ای، ترک اوراسیایی و شهروند اروپایی با یکدیگر پیوند منطقی و معناداری یافته است. هیچ‌کدام از عناصر مذکور کارکرد جزم و قهقرا ندارد اما در سطوحی تأثیرگذار است.

- در اندیشه سیاسی حزب حاکم، انسان ترکیه‌ای عموماً از مرحله ملی‌گرایی متعصب گذر کرده، ناسیونالیسم مدنی و شهروندی جایگزین ناسیونالیسم قومی - ایدئولوژیک شده است. در این راستا منابع قدرت در حال دگرگونی به نفع جامعه مدنی است. رویکرد تعامل‌گرای توسعه‌محور بر دیدگاه‌های تاریخ‌گرای - امنیت‌محور در افکار عمومی و مبانی رفتاری جامعه ترکیه برتری یافته است.

- نظام معیشتی در تصمیم‌های فردی و جمعی بر مبانی رقابت، کار سخت و مشروع نهادینه شده است. انسان ترکیه‌ای با درک قواعد بازار، مناسبات خود را تنظیم می‌نماید. اخلاق کار آفرینانه بر اخلاق دیوان‌سالارانه غلبه می‌یابد. در دوره اسلام‌گرایان حاکم، در چارچوب سیاست‌های اقتصادی نو - لیبرال، بازار به مدلی برای سامان‌دهی جامعه، سیاست و حتی دین مبدل شد. از آنجا که اغلب این کارآفرینان مسلمان - به لحاظ اجتماعی محافظه‌کار و دارای گرایش‌های بازار آزاد و به نوعی مخالف دولت‌محوری - در دوران گذار از سرمایه‌داری دولتی به سرمایه‌داری بازار (حاصل سیاست‌های اوزال) ظهور کرده بودند، خود به پشتیبانان اصلی اقتصاد بازار و ادغام در اقتصاد جهانی مبدل شده‌اند.

- فراز گفتمانی اکثریت جامعه طرفدار حزب حاکم نسبت به تحولات جهان اسلام، تمدنی و مسئولیت‌پذیری است. در این مورد دیدگاه‌های احمد داود اوغلو وزیر امور خارجه دولت اردوغان و شخصیت متفکر و نظریه‌پرداز حزب عدالت و توسعه جلوه‌هایی از این باورمندی را به نمایش می‌گذارد. داود اوغلو دیدگاه تمدنی روشن و مدونی در رابطه با سیاست‌های داخلی و خارجی دارد که بر سه پیش‌فرض استوار است: تمدن



اسلامی تفاوت‌های معرفت‌شناختی و هستی‌شناختی خاص خود را با غرب دارد؛ ترکیه بخشی از تمدن اسلامی است و چنانچه در جایگاه رهبری نوزایی این تمدن قرار گیرد، قادر است مقام شایسته خود را در عرصه جهانی باز یابد و ترکیه با ادغام در فراگردهای جهانی و احراز رهبری بلوک منطقه‌ای کشورهای اسلامی بر هویت دوگانه خود چیره خواهد شد.^۱ در روایت‌های قشر متدین جامعه تأکید بر نقش آفرینی ترکیه در مسائل جهانی اسلام به وضوح دیده می‌شود. نفرت از صهیونیسم از این گفتمان نشأت می‌گیرد. در اندیشه طیف‌های مختلف جامعه ترکیه، فتنه امپریالیسم در ضربه‌زدن به جهان اسلام رسوب‌گذاری شده است که در زمان و مکان مشخصی نمود و بروز می‌یابد. وحشت از تقسیم و تجزیه ترکیه از این فلسفه نشأت گرفته و در افکار عمومی جامعه ترکیه شکل‌بندی شده است.

- اسلام اجتماعی در مبانی معرفتی و ادراکی اکثریت مردم ترکیه بیشتر از اسلام‌گرایی سیاسی نهادینه شده است. این عامل زمینه را برای فعالیت طریقت‌ها و جماعت‌های عقیدتی - فرهنگی و غیر سیاسی فراهم نموده است.

- نوستالوژی عثمانی‌گرایی: در فرهنگ سیاسی بخشی از جامعه ترکیه از رویکرد نعثمانی‌گرایی دولت‌ها حمایت می‌شود. در تعریف آن‌ها نعثمانی‌گرایی یک ایدئولوژی نیست، بلکه رویکردی نوین است که با برجسته کردن عنصر تاریخی، فرهنگی و جغرافیایی بر محیط ژئوپلتیک ترکیه معنایی فراملی می‌بخشد. در درون این رویکرد، جلوه‌هایی از اسلام‌گرایی، شرق‌گرایی دیده می‌شود.^۲ یکی از عناصر وحدت‌آفرین در رهبری حزب، باور عمیق به نقش کلیدی گذشته عثمانی در آینده ترکیه و احساس دلتنگی و حسرت دایمی نسبت به این دوران - و حتی دوره سلجوقی - است. بازسازی هویت عثمانی در سه دهه گذشته استمرار داشته و اخیراً در حوزه هنر، ادبیات، سیاست نیز گسترش یافته است. جنبش‌های اسلامی در ترکیه همواره به قصد ارائه منبعی جایگزین برای هویت جمعی بر میراث عثمانی پای می‌فشارند.

- کاهش گرایش به هویت اروپایی: جامعه ترک بعد از تلاش ۵۰ ساله در جهت الحاق به اتحادیه اروپا، جلوه‌هایی از رهایی نسبت به اروپا را در فرهنگ سیاسی‌شان بروز می‌دهند. امری که قابلیت تبدیل شدن به روند اجتماعی را دارد. برای عثمانیسم امروز

۱. احمد داود اوغلو، رک: عمق رهبردی، ترجمه محمدحسین نوحی نژاد ممقانی، امیرکبیر، ۱۳۹۱، ص ۲۶۸-۲۴۹.

۲. رحمت‌الله فلاح، «تحلیل سیاست خارجی دولت اردوغان در قالب سیاست پارادایم نعثمانی‌گرایی»، مطالعات سیاسی جهان اسلام، زمستان ۱۳۸۷، ش ۳۶، ص ۹۷-۱۱۷.

احزاب مخالف دولت، اردوغان را متهم به برپایی سلطانیسم و دیکتاتوری فردی در کشور می‌کنند که باید برای حفظ آزادی و دموکراسی با آن و روند کنونی مخالفت شود. آن‌ها معتقدند که اگر در صندوق‌های رأی نمی‌توانیم بر حزب حاکم غلبه نماییم، اما در خیابان‌ها می‌توانیم اقتدار دولت را زیر سؤال ببریم

و حزب عدالت و توسعه، اروپا «غیر خودی» و حتی دشمن تلقی می‌شود و در نتیجه در سطح مردمی نیز نوعی ناهمخوانی و شک نسبت به آن - به لحاظ تاریخی غیر خودی، اما شایسته به عنوان ابزار دستیابی به فرصت‌ها و رفاه - وجود دارد. حزب حاکم همواره بر فایق آمدن بر جریان‌ها و نیروهای آنتی دموکراتیک از رهیافت الحاق به اتحادیه اروپا بهره‌مند می‌شود. - جامعه اسلام‌گرایان نوین ترک بیشتر عمل‌گرا است تا اصول‌گرا: گروه‌ها و جوامع هم مستقل و

هم همپوشان در عین استقلال از یکدیگر زندگی جمعی دارند. تفاوت‌های اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی هم منشأ پیوند و هم گسست هستند. قالب نهادها و رفتارهای مدنی در پرتو مفاهیم و رفتارهای دینی معطوف به زندگی بهتر شکل گرفته‌اند.^۱ یکی از ویژگی‌های حزب عدالت و توسعه نسبت به دیگر احزاب این است که بیش از عقیدتی بودن، حزب «خدمات اجتماعی» است؛ در برابر حکومت و جهان بیرونی فوق‌العاده احساس ناامنی می‌کند و از راه آزادسازی جامعه ترکیه از قید ایدئولوژی حکومتی و رفع موانع موجود در برابر ابتکارات فردی، در پی غلبه بر این احساس است. از نظر حزب، اسلام در حد مجموعه‌ای از «ارزش‌های حیاتی برای ملت» است. فهم آن از حکومت را، بیش از حکومت قانون، دموکراسی اکثریت‌سالار شکل داده است.^۲

- ملت ترکیه در این مقطع با سه روند دگرگون‌ساز مواجه است: ظهور بورژوازی اسلامی؛ گسترش سپهر عمومی و تجلی خودآگاهی تازه حقوق بشری. این روندها بی‌شک عامل تداوم فرآیند دگرگون‌سازی ریشه‌ای زبان سیاسی کشور خواهد بود.

- قرائت متفاوت از محافظه‌کاری: مفهوم محافظه‌کاری در زبان سیاسی هیئت‌نخبگان و هیئت حاکمه حزب عدالت و توسعه بدون شناخت مفهوم کلیدی خدمت (ارائه خدمات اجتماعی به نام اسلام) به طور کامل قابل فهم نیست. برای اردوغان محافظه‌کاری یک هویت سیاسی است که بر اخلاق، ارزش‌های خانواده و تغییرات نظام‌مند تکیه دارد. با لحاظ قرائت‌های گوناگون از محافظه‌کاری، حزب عدالت و توسعه به محافظه‌کاری

1. Jenny B. White. Islamist Mobilization in Turkey (Seattle: University of Washington Press, 2003)

۲. م. هاکان یاووز، سکولاریسم و دموکراسی/اسلامی در ترکیه، احمد عزیز، تهران، نی، ۱۳۸۹، ص ۱۷۸.



ایمان‌گرایانه^۱ پایبند است که بر سهم دین در تعریف حیات طیبه تأکید دارد. نگاه اکثریت اسلام‌گرایان، جامعه دین‌دار و کارگزاران حزب عدالت و توسعه نسبت به جایگاه ایران در دو سطح قالب‌بندی شده است. حفظ رقابت عادی و هم‌تکمیلی. هر کدام از این دو رویکرد، در عرصه سیاست خارجی ترکیه طرفداران خاص خود را دارد. البته در باورمندی قشرهای متدین جامعه ترکیه، روح عرفان و تصوف ایرانی جایگاه ممتازی دارد. با این حال آن‌ها گرایش به نظم‌آخوانی در عرصه فرهنگی و سیاسی منطقه و جهان اسلام دارند.

ماهیت‌شناسی اعتراضات اخیر ترکیه

با اینکه دولت اردوغان از کارآمدترین دولت‌های ترکیه محسوب می‌شود و از طریق کسب اکثریت آرا دولت را در اختیار گرفته ولی همواره مخالفان قدرتمندی در جامعه ترکیه دارد که سیاست‌ها و رویکردهای اردوغان را نوعی دیکتاتورمابانه تفسیر می‌کنند و سعی دارند دولت اردوغان را متوجه نظر نیروهای سیاسی و اجتماعی که در اکثریت نیستند، بنمایانند. مخالفان دولت اردوغان با وجود پراکندگی به دنبال فرصتی بودند که «چارچوب‌های عمده اعتراض» را شکل دهند. چارچوب مفهومی و نظری جنبش اخیر در ترکیه را در قالب «شبکه‌های پنهان و کنش آشکار» می‌توان تفسیر نمود. در تشریح این نوع جنبش یک الگوی عملکرد دو وضعیتی به نمایش گذاشته می‌شود: وضع عادی، شبکه‌ای از گروه‌های کوچک پنهان در زندگی روزمره است که مداخله شخصی در ابداع و آزمایش الگوهای فرهنگی‌اند. این شبکه‌ها فقط در ارتباط با مسائل خاصی ظهور می‌کنند؛ مانند شبکه‌های بسیج برای صلح؛ هر چند شبکه پنهان مرکب از گروه‌های پراکنده و کوچک است اما یک چرخه مبادلات نیز است. گردش افراد و اطلاعات از طریق شبکه صورت می‌گیرد و سازمان‌های مشخص (مانند کانون‌های تخصصی) وجود دارند که ضامن حفظ یکپارچگی و وحدت هستند. شبکه پنهان امکان عضویت چندگانه در گروه‌های مختلف را فراهم می‌کنند؛ این عضویت هم در مقایسه با دوره زندگی افراد و هم به لحاظ میزان، زمان زیادی را از افراد به خود اختصاص نمی‌دهد. (پاره‌وقت و کوتاه‌مدت) و مستلزم تعهد شخصی و هماهنگی یکپارچه مؤثر کسانی است که عضو جنبش هستند.^۲

1. fideistic conservatism

۲. اثر یک لارنا و دیگران، جنبش‌های نوین اجتماعی، ترجمه سید محمد کمال سرورریان و علی صبحدل، پژوهشکده مطالعات راهبردی، ۱۳۸۷، ص ۱۵۳.

الگوی دوقطبی به وضوح نشان می‌دهد که پنهان بودن و آشکار بودن، کارویژه‌های متفاوتی دارند و این کارویژه‌ها با یکدیگر ارتباط متقابل دارند. پنهان بودن تجربه مستقیم الگوهای نوین فرهنگی را امکان‌پذیر می‌سازد و با تکوین معانی و تولید رمزهای جدید، تغییر را تشویق و تسهیل می‌کند. برون‌داد فرهنگی آن غالباً فشارهای فرهنگی رایج را به چالش می‌طلبد. پنهان بودن، نوعی آزمایشگاه زیرزمینی برای ستیزه‌جویی و نوآوری است. وقتی گروه‌های کوچک به عرصه جامعه می‌آیند، هدف آن‌ها رویارویی با اقتدار سیاسی در برخی حوزه‌های خاص است. بسیج اجتماعی یک کارویژه نمادین چندلایه دارد. بسیج اجتماعی، علیه منطق راهنمای تصمیم‌گیری با توجه به یک سیاست‌گذاری عمومی مشخص، به مخالفت برمی‌خیزد. هم‌زمان جنبش همچون رسانه‌ای عمل می‌کند که پیوند بین یک معضل خاص در جامعه و منطق حاکم بر نظام را برای بقیه جامعه آشکار می‌سازد. بسیج اجتماعی اعلام می‌کند که الگوهای فرهنگی بدیل نیز برای اداره جامعه و حل مشکل وجود دارد؛ به‌ویژه الگوهایی که کنش جمعی جنبش اجتماعی ارائه می‌کند و به اجرا در می‌آورد. بسیج اجتماعی هسته اصلی ابتکار فرهنگی، خواسته‌های ستیزه‌جویانه و سایر سطوح را که در برگیرنده کنش جنبش هستند متحد می‌کنند.

این دو قطب با یکدیگر پیوند متقابل دارد. پنهان بودن (دوره کمون جنبش) امکان اقدام آشکار را فراهم می‌کند زیرا منابع همبستگی و انسجام مورد نیاز کنش را تأمین می‌کند و چارچوب فرهنگی لازم برای بسیج اجتماعی را فراهم می‌آورد. کنش آشکار جنبش شبکه‌های مخفی را تقویت می‌کند، بر استحکام آن می‌افزاید، گروه‌های فرعی دیگر می‌آفریند و هواداران جدیدی را به عضویت خود در می‌آورد که کنش عمومی جنبش آن‌ها را جذب کرده است؛ مانند جنگ‌سالارانی که به شبکه‌های پنهانی جنبش می‌پیوندند. بسیج اجتماعی، نهادینه‌شدن عناصر جنبی در جنبش و نهادینه‌شدن نخبگان جدید که در این حوزه شکل گرفته‌اند را تشویق می‌کنند.

برای اینکه این الگوی دوقطبی پایدار بماند و عملکرد مؤثر داشته باشد، شرایط خاصی باید محقق شود. این شرایط خاص عبارت‌اند از:

- انعطاف و تغییرپذیری زیاد در محیط که مانع از درونی‌شدن و در خود فرورفتن گروه‌ها در شبکه پنهانی جنبش می‌شود.
- انعطاف‌پذیری بالا در نظام سیاسی که مراحل دقیق و حساس گذر از یک قطب (شبکه‌های پنهانی) به قطب دیگر (کنش آشکار) را متوقف



و مسدود نکند.

- عوامل (کارگزاران) محلی و سازمان‌های پوششی (حمایتی) یا سازمان‌های موقتی می‌توانند ارتباطات درونی (در طی دوره کمون جنبش) و ارتباطات بیرونی (در طول دوره بسیج اجتماعی)، را تضمین نمایند. این اشکال رهبری با یک ساختار بندی چند بعدی گروه‌ها هماهنگ هستند؛ این ساختار بندی مانع شکل‌گیری ساختار نوعی این حوزه نیست.^۱

به هر حال با در نظر گرفتن مبانی و مفاهیم مذکور می‌توان جلوه‌هایی از آن را در جنبش اجتماعی اخیر در ترکیه به وضوح مشاهده کرد. با این پیش‌فرض تئوریک ارائه‌شده، در ذیل به ماهیت اعتراضات اشاره می‌گردد:

۱. قطبی شدن جامعه با تئوری اکثریت‌سالاری؛ به باور منتقدان، برداشت اردوغان از دموکراسی مبتنی بر همه‌پرسی، نه فقط اکثریت‌سالار که جمع‌گراست. در این رویکرد جامعه ترکیه بین اکثریت برنده و اقلیت بازنده تقسیم شده است. بخشی از نیروهای سیاسی و اجتماعی جامعه ترکیه معتقدند که اردوغان تلاش می‌کند با پشتیبانی آرای ۵۰ درصدی که داشته، به نوعی جامعه ترکیه را تک‌قطبی نماید و افکار و ایده‌نیروهایی که در اقلیت هستند را در حاشیه نگه دارد. احزاب مخالف دولت، اردوغان را متهم به برپایی سلطانیسم و دیکتاتوری فردی در کشور می‌کنند که باید برای حفظ آزادی و دموکراسی با آن و روند کنونی مخالفت شود. آن‌ها معتقدند که اگر در صندوق‌های رأی نمی‌توانیم بر حزب حاکم غلبه نماییم، اما در خیابان‌ها می‌توانیم اقتدار دولت را زیر سؤال ببریم. لازم به ذکر است معترضین ترکیه به دنبال ایجاد تغییرات اساسی در ساختار سیاسی و اجتماعی کشور نیستند. در واقع مردم با سیاست‌های رجب طیب اردوغان مخالف‌اند و در پی تغییر ساختارهای موجود نیستند. از این رو شورش اجتماعی بر خلاف انقلاب فاقد جهت‌گیری مشخص و طرحی برای آینده است. با نگاهی به شورش‌های اخیر مشخص می‌شود که معترضین نیز فاقد برنامه مشخص و منسجم برای آینده هستند و صرفاً با مقصر جلوه دادن اردوغان خواستار کناره‌گیری او از قدرت هستند.

۲. بی‌توجهی به حافظه تاریخی علوی‌ها، اسم‌گذاری پل سوم استانبول به نام سلطان یاوز که (سلطان بی‌رحم و ضد علوی عثمانی بود) تا اندازه‌ای عقده‌های روانی را در

بخشی از مردم ترکیه به وجود آورده بود. جامعه علوی ترکیه رویکرد اردوغان را در مبانی معرفتی تعصب سنی‌گرایی ایشان تفسیر می‌کند.

۳. نگرانی طیف‌های لائیک از تقویت نمادهای اسلام‌گرایی؛ نگرانی رو به رشد بخش‌های سنتی سکولار، دگرگون‌سازی شیوه‌های زندگی از طریق خلق اصولی تازه و ارائه تعریفی از «انسان شایسته و سبک زندگی شایسته» از سوی حزب عدالت و توسعه است. نشانه‌هایی از اسلامی‌شدن تدریجی بخش‌های سابقاً کمالیست حکومت و جامعه به چشم می‌خورد؛ منظور از اسلامی‌شدن تدریجی، نفوذ اندیشه‌ها و ارزش‌های اسلامی در نهادها، شیوه‌های زندگی، زبان سیاسی و رسانه‌هاست. بخش لائیک جامعه ترکیه بر این باورند که حزب اسلام‌گرای عدالت و توسعه به رهبری رجب طیب اردوغان بیش از ۱۰ سال است که اداره جمهوری لائیک ترکیه را در دست گرفته، با ترفندهای مختلف بار و محتوای واژه لائیک را از بین برده، با بیانیه‌های دولت تغییراتی در پوشش زنان، ساخت مسجد و نمازخانه در کنار مؤسسات دولتی و مراکز آموزشی و شیوه زندگی مردم به وجود آورده است. در این میان رشد سریع و پایدار اقتصادی را در ترکیه حزب عدالت و توسعه و رهبر آن اردوغان به نام و توانایی مدیریت خود ثبت کرده، همواره سخن از مدل والگویی ترکیه در بین کشورهای اسلامی به میان می‌آورد.

۴. ناراضی‌تری از ایدئولوژی نولیبرال اقتصادی؛ اقبال چشم‌پسته به تفکری که بازار آزاد را بی‌چون و چرا به جای دولت می‌نشانند مناقشه‌برانگیز است. حکمرانی بازار - بنیاد نقطه ثقل تشدید نابرابری در ترکیه و در حال حاضر منشأ تنش فزاینده میان بازندگان و برندگان در بازار است. نظام نوین اقتصادی و رقابت بازار به رواج خودمحوری و خودباوری دامن زده و از نگاه نقادان، انگیزه منفعت‌فردی را بر منافع عمومی برتری داده است. خطوط مقدم جبهه این تنازع را می‌توان در روزنامه‌ها، منابع، ایستگاه‌های رادیویی، قهوه‌خانه‌ها و اعماق زندگی خصوصی مشاهده کرد. متعصبان جدید نه دینی که ناسیونالیست هستند. نوعی ضد اخلاقیات نوین در واکنش به اخلاقیات بازار - بنیاد در حال تکامل است. این قشر معتقد است دولت در اجرای بدون چون و چرای سیاست‌های اقتصادی بانک بین‌المللی و صندوق پول، به نام نئولیبرالیسم با هرگونه تشکل اجتماعی به‌ویژه کارگری به شکل‌های گوناگون گاهی در پنهان و گاهی آشکار مبارزه می‌کند؛ اجرای این سیاست اقتصادی، فاصله طبقاتی، فقر و بیکاری توده‌ای و پنهان‌را افزایش داده، همراه با مهار تورم، افزایش تولید و صادرات، شرکت‌ها و مؤسسات وابسته به عموم را با نام خصوصی‌سازی در اختیار خودی‌ها قرار داده است.



برداشت اردوغان از دموکراسی مبتنی بر همه‌پرسی، نه فقط اکثریت سالار که جمع‌گراست. در این رویکرد جامعه ترکیه بین اکثریت برنده و اقلیت بازنده تقسیم شده است. بخشی از نیروهای سیاسی و اجتماعی جامعه ترکیه معتقدند که اردوغان تلاش می‌کند با پشتیبانی آرای ۵۰ درصدی که داشته، به نوعی جامعه ترکیه را تک‌قطبی نماید و افکار و ایده‌نیروهایی که در اقلیت هستند را در حاشیه‌نگه دارد

۵. بسیاری از پژوهندگان اعتراضات اخیر ترکیه معتقدند ماهیت این اعتراضات بیش از آنکه به حرکت بنیان‌برافکنانه بهار عربی شباهت داشته باشد بیشتر با جنبش‌های دموکراسی‌خواهانه در کشورهای دارای سنت و پیشینه دموکراسی مشابهت دارد و به‌طور مثال می‌تواند به جنبش «اشغال‌وال استریت» تشبیه شود.

اعتراضات اشغال (occupy) علامت اعتراض در «بحران سرمایه‌داری دموکراتیک» بود؛ به‌طور نمادین برای تصرف دوباره جامعه دموکراتیک که به نظر می‌آید بازارهای مالی بر آن حاکم هستند، دست به اعتراض زدند.

می‌خواستند آن را دوباره تصرف و تسخیر کنند؛ به عبارت دیگر اشغال کنند. جنبش ۹۹ درصدایی‌ها، مبالغه‌آگاهانه در یک تشخیص سیاسی و یک احتمال جامعه‌شناختی، علامت و نماد اشغال بودند. جنبش اشغال به‌رغم ناهمگنی درونی، خودش را به عنوان «جنبش ۹۹ درصد» قلمداد می‌کند؛ همان‌هایی که از قدرت اقتصادی و سیاسی به‌طور فزاینده‌ای محروم هستند. اصطلاح «۹۹ درصد» به یک مقاله مورد بحث واقع شده ژوزف استیگلیتز، برنده جایزه نوبل اقتصاد برمی‌گشت که وی قدرت، ثروت و سیاست یک درصد بسیار ثروتمند را تجزیه و تحلیل کرده بود. مسلماً شعار به لحاظ سیاسی و جامعه‌شناختی غیردقیق و کنایه‌آمیز بود. اما آن به‌طور نمادین مظهر تضادهای اجتماعی بود. جنبش اشغال برای خود غنیمت شمرد که از اکثریت بزرگ شهروندانی حمایت کند که دارای مال و ثروت نیستند. در حالی که بانک‌ها رهنانیده شدند، اکثریت شهروندان مجبور بودند تاوان آن را متحمل شوند. بنابراین شعار جنبه تقسیم‌داشت. در عین حال بیان کردند که ۹۹ درصد با مصالح و منافع خود، دارای نفوذ سیاسی اندک بودند، در حالی که یک درصد، تصمیمات سیاسی را به انحصار خود درآوردند. بنابراین شعار از این نظر جنبه دموکراسی و حکمرانی نیز داشت. و بالاخره یک مخالفت و تعارض وارد آن شده بود: فرض می‌شود که ۱ درصد و ۹۹ درصد در مصالحشان به‌طور تضادی و تعارضی در برابر یکدیگر ایستادند. به‌طور خلاصه جنبش

اشغال به طور نمادین به دنبال اعتراض به تضاد و اختلاف اجتماعی، سیاسی و بالاخره دموکراتیک جوامع غربی پس از بحران مالی سال ۲۰۰۸ و سال‌های بعد بود. در تحلیل جنبش اعتراضی ترکیه جلوه‌هایی از این جنبش به نمایش گذاشته شد.

۶. رفتار پلیس ترکیه کاملاً غیرمدنی و تحریک‌کننده بود؛ استفاده از گاز اشک‌آور در بدو امر غیر ضروری بود. پلیس ترکیه بر اساس یک سنت قدیمی، همواره بر استفاده از قدرت مشت آهنین اصرار ورزیده و در طول ۱۲ سال گذشته، حزب عدالت و توسعه نیز نتوانسته است این منش رادیکالی پلیس ترکیه را تغییر دهد. اگرچه با کنار نهادن ادریس نعیم شاهین تندخو و خشن از مسند وزارت کشور و سپردن این پست به معمر گولر معتدل، تا حدودی در ساختار پلیس و وزارت کشور تغییر ایجاد شد، اما هنوز هم مسئله خشونت‌های بی‌مرز پلیس، یکی از پاشنه‌آشیل‌های توسعه سیاسی در این کشور است. انتشار ده‌ها فایل ویدیویی از کتک‌کاری‌های خشن و افراطی در پاسگاه‌های پلیس و حتی در خیابان و در ملاعام، همواره اعتراضات مدافعین حقوق بشر و اتحادیه اروپا را برانگیخته است. هر چند که هر سال تعداد زیادی از نیروهای پلیس ترکیه به جرم استفاده بدون مرز از خشونت از کار برکنار می‌شوند. وقایع اخیر استانبول نشان داد که اگر رجب طیب اردوغان به عنوان رهبر حزب عدالت و توسعه و نخست‌وزیر ترکیه، برای متحول کردن پلیس ترکیه تدابیر ویژه‌ای به کار نگیرند، آنان همواره قابلیت آن را دارند که آرام‌سازی یک اعتراض ساده مدنی را به یک بحران امنیتی بزرگ تبدیل کرده و با اقدامات افراطی خود هزینه‌های سیاسی دولت را بالا ببرند.

۷. جریحه‌دار شدن معترضان به سخنان اردوغان؛ در شروع مخالفت‌های دوستانه اردوغان، جریحه‌دار شدن معترضان به سخنان اردوغان؛ در شروع مخالفت‌های دوستانه اردوغان، طبیعت، رفتار اردوغان مغرورانه و به‌نوعی دیکتاتور مابانه تفسیر می‌شد. اردوغان بدون توجه به مطالبات معترضان ضمن تأکید به تغییر کاربری پارک، معترضان را اراذل و اوباش نامید.

در نهایت می‌توان گفت با وجود آن که انجام سلسله اقدامات اجتماعی - سیاسی توسط حزب حاکم عدالت و توسعه نارضایتی اجتماعی گروه‌های مخالف را در آستانه انفجار قرار داد، دولت اسلام‌گرای محافظه‌کار حزب عدالت و توسعه هم‌زمان با قطع دخالت‌های ارتش در سیاست طی سه پرونده مهم امنیتی - قضایی ارگنه‌کن، بالیوز و قفس، در اجرای برنامه‌های اسلامی مانند رفع ممنوعیت پوشش اسلامی در اماکن دولتی و عمومی و احیای مدارس دینی به رغم مخالفت شدید قشر لائیک جامعه موفق بود و سبب عقب‌نشینی مخالفین گردید. بعد از این‌ها اجرای طرح صلح کردی را به

رغم مخالفت‌های زیاد ملی‌گرایان تا این مرحله به خوبی مدیریت کرده است. در کنار این‌ها فرآیند اصلاح قانون اساسی که در حال پیگیری است، تغییر نظام سیاسی کشور از پارلمانی به ریاستی - که مخالفین آن را ابزاری برای تحکیم پایه‌های اقتدار و مشروعیت مشخص اردوغان تلقی می‌کنند - و قانون اخیر در زمینه ممنوعیت استفاده از مشروبات الکلی در اماکن عمومی که قشر غیر دین‌دار و مألوف به طرز زندگی غیر اسلامی را سرخورده کرده است، همه و همه سبب شده‌اند تا فشار اجتماعی و روانی مضاعفی از ناحیه دولت و شخص اردوغان بر بدنه جامعه ترکیه وارد شود. این اقدامات هر چقدر سبب رضایت و خشنودی طرفداران حزب عدالت و توسعه و سایر گروه‌های اسلامی شده است ولی در طرف مقابل نارضایتی عمیق همراه با نفرت را در قشر لائیک جامعه ایجاد کرده است و به گفته کادری گورسل، روزنامه‌نگار مخالف دولت، قشر لائیک جامعه که اصلاً به رعایت موازین شرعی عادت ندارد، به یک‌باره در چشم سایرین هنجارشکن، عیاش و بی‌هویت تلقی می‌شود.^۱

حامیان و بازیگران صحنه

بازیگران سیاسی مختلفی در گسترش تظاهرات نقش آفرینی کردند که به مهم‌ترین آن‌ها اشاره می‌گردد.

۱. نیروهای چپ سوسیالیست (با علامت چکش و داس) صحنه‌گردان اصلی این تظاهرات بودند، دفتر کاری آن‌ها در چند کیلومتری میدان تقسیم است و در سازمان‌دهی اعتراضات بسیار فعال عمل کرده و حتی در رادیکالیزه نمودن فضا، نقش آفرینی نمودند. برای نمونه مجمع اتحادیه‌های ترکیه که ۲۴۰ هزار نفر عضو دارد، رسماً از تظاهرکنندگان حمایت نمود. همچنین کنفدراسیون کارگری «دیسک» و کارمندی «کسک» از آن‌ها حمایت جدی می‌نمودند. ایدئولوژی چپ سوسیالیست، ضد سرمایه‌داری، مخالف روابط ترکیه و امریکا، مخالف ورود ترکیه به بحران سوریه و تا حدودی گرایش به روسیه دارند. البته چپ‌های ترکیه نگاهشان نسبت به ایران مثبت و سازنده است.

توجه به این نکته ضروری است که در صحنه سیاسی - اجتماعی ترکیه بیش از ده هزار نهاد مدنی فعال است که نهادهای کارگری وابسته به اندیشه چپ در حوزه سیاسی

-امنیتی ظرفیت‌های بازی‌سازی یا بازی به هم‌زنی را داراست.^۱ به همین جهت معرفی ماهیت و کارکرد برخی نهادهای کارگری وابسته به چپ‌ها ضروری است.

سندیکاها و مراکز کارگری

به موجب قانون اساسی سال ۱۹۸۲ در ترکیه فعالیت و دخالت تمام انجمن‌ها، اتحادیه‌ها، سازمان‌های کارگری و بازرگانی و حرفه‌ای شغلی دیگر در موضوعات سیاسی ممنوع اعلام شده است. ولی به رغم این ممنوعیت تعدادی از اتحادیه‌ها، انجمن‌ها و گروه‌های شغلی در ترکیه به عنوان گروه‌های فشار تأثیرگذار باقی مانده‌اند. مهم‌ترین اتحادیه‌های کارگری در جامعه امروز ترکیه عبارت‌اند از «ترک‌ایش» (ائتلاف اتحادیه‌های کارگری ترکیه) که در سال ۱۹۵۲ تأسیس شد. ترک‌ایش در راستای اقداماتش تا به حال بارها دولت را با اعمال سیاست‌های انتقادآمیز خودش تهدید کرده است؛ تا جایی که در سوم ژانویه ۱۹۹۱ ترک‌ایش تهدید خود را عملی ساخت و یک و نیم میلیون کارگر به هدایت این اتحادیه به جهت اعتراض به سیاست‌های دولت دست به اعتصاب زدند.^۲ از آن تاریخ به بعد هر سال در روز کارگر این نهاد با هماهنگی سایر

۱. لازم به ذکر است در انفجار شهر ریحانلی در ۲۱ اردیبهشت ۹۲ نیز جبهه انقلابی مارکسیستی لیبرال دست داشت. بعد از دستگیری ۹ تن از عوامل عملیات تروریستی، مشخص شد که آن‌ها از شهروندان ترکیه و وابسته به «جبهه انقلابی مارکسیستی لیبرال» (THKP-C) هستند. در پرونده این گروه اقدامات تروریستی مختلفی در چهار دهه گذشته ثبت شده است. لازم به ذکر است که این گروه در اواخر سال ۱۹۶۰ با عنوان TİP یا انقلاب دموکراتیک ملی با گرایش چپ تشکیل شد و در سال ۱۹۷۷ گروهی از آن منشعب شد و به رهبری میهران اونال گروه کمونیستی (THKP-C) را تشکیل دادند. این گروه در راستای ایجاد انقلاب کمونیستی در صدد برآمد که شکاف‌های موجود میان ملت و دولت را عمیق‌تر نماید و با شعار رهایی ترکیه از حاکمیت استبدادی و همچنین امپریالیسم که به باور آنها از ۱۹۵۰ گریبانگیر ترکیه شده، اقدامات تروریستی مختلفی را انجام دادند. از جمله می‌توان به گروه‌های گانگبری سرکنسول رژیم صهیونیستی در استانبول و قتل آن در ۱۹ مارس ۱۹۷۱، هواپیمارایی در پرواز آنکارا-استانبول و هدایت آن به صوفیه در مارس ۱۹۷۲، گلوله‌باران هتل بین‌المللی استانبول در آگوست ۱۹۷۷، قتل یک سرباز امریکایی در ازبک در ۱۹۷۹ و... اشاره کرد. اونال، رئیس گروه مذکور از سال ۱۹۸۰ تحت تعقیب نیروهای امنیتی ترکیه قرار گرفته و به سوریه گریخته و در لاذقیه اقامت کرد. همسر وی به نام ملک در سوریه به عنوان منشی جمیل اسد (از چهره‌های سیاسی متنفذ سوریه) فعالیت کرده است. اونال در سوریه چند روز پیش از کشتار گسترده‌ای که در یکی از مناطق روستایی روی داد، در گفت‌وگو با خبرنگاری تایمز و بی‌بی‌سی، خود را از مدافعین دولت سوریه اعلام کرده و تحلیل‌گران امریکایی از وی به عنوان فرمانده یک گروه دو هزار نفری شبه‌نظامی به نام «المقاومه» یاد کرده‌اند. مطابق گزارش رسانه‌های ترکیه، در تحلیل مقامات امنیتی ترکیه آمده است که این فرد در طول دوران اقامت عبدالله اوجالان در سوریه و لبنان به مدت ۱۹ سال با وی ارتباط نزدیک داشته و تصاویر وی در حالی که در کنار اوجالان نشسته، در بسیاری از رسانه‌های ترکیه منتشر شده است و علاوه بر این طی سالیان گذشته همواره در کاخ ریاست‌جمهوری در دمشق به عنوان یکی از افراد نزدیک به بشار اسد رفت‌وآمد کرده است. با اینکه تأیید یا تکذیب تحلیل مقامات امنیتی ترکیه آسان نیست، اما اونال در چند پایگاه اینترنتی سوریه اخبار مربوط به عملیات تروریستی شهر ریحانلی را تکذیب کرده و عاملان این حادثه را گروه وابسته به ارتش آزاد سوریه و شورای ائتلاف مخالفین سوریه معرفی کرده است.

۲. رسول افصلی، چشم‌انداز جامعه مدنی در خاورمیانه، مؤسسه بشیر علم و ادب، ۱۳۷۹، ص ۱۷۰.



نهادهای کارگری تظاهرات گسترده‌ای را راه‌اندازی می‌کنند. - دیسک (کنفدراسیون اتحادیه‌ای کارگران مترقی) دومین اتحادیه مهم کارگری ترکیه است. رهبران این کنفدراسیون از مبارزین چپی هستند که از سیاست‌های «ترک‌ایش» دوری می‌کنند. رهبران دیسک، ترک‌ایش را متهم به نرم بودن بیش از حد در مقابل دولت و بی‌تأثیر بودن فعالیت‌های آن برای حل مشکلات کارگران می‌کنند. دیسک غالباً از اقدامات سوسیالیستی مانند ملی کردن بانک‌های خصوصی و بیمه کنترل دولت بر اتحادیه‌های خارجی، اصلاحات ارضی و برنامه‌ریزی‌های اقتصادی حمایت کرده است. آن‌ها همچنین علاقه‌مند به انجام فعالیت‌های مستقیم کارگران مانند تظاهرات خیابانی برای رسیدن به اهداف سیاسی و اقتصادی پیشرفته‌شان هستند.^۱

«هاک‌ایش» سومین اتحادیه کارگران ترکیه است که در سال ۱۹۷۶ تأسیس شد و در حال حاضر چند صد هزار عضو دارد. دارای شش اتحادیه کارگری وابسته می‌باشد که قادرند به طور وسیع اعضای خود را از دیاد بخشند. بیشتر اعضای این اتحادیه از اعضای قدیمی «دیسک» می‌باشند.^۲

«اتحادیه‌های کارگری مستقل» نیز از مهم‌ترین اتحادیه‌های کارگری ترکیه هستند که بیش از ۲۰۰ هزار نفر عضو دارند؛ تعداد قابل توجهی از اعضای این اتحادیه‌ها از اعضای قدیمی «دیسک» می‌باشند.

۲. حزب جمهوری خلق به رهبری کمال قلیچدار اوغلو که دومین حزب ترکیه است و نزدیک به ۳۰ درصد آرا و طرفدار در ترکیه دارد، در گسترش و سیاسی نمودن بحران بیشترین تلاش را نموده و می‌نماید. رهبر حزب در روزهای اول در بین معترضین میدان تقسیم حضور یافت و رسانه‌های این حزب کاملاً از معترضین پشتیبانی می‌نمود.

۳. بخشی از جریان هویت طلب علوی که نسبت به رویکرد اردوغان به بحران سوریه و دولت علوی سوریه معترض هستند. طبق برخی از گزارش‌ها ۹۳ درصد تظاهرکنندگان علوی مذهب بودند که در قالب احزاب، گروه‌ها و انجمن‌های مختلف در صحنه بودند. البته تحركات علویان علاوه بر بحث سوریه و سایر مسائل روز، ریشه‌های عمیقی دارد. آن‌ها چندین دهه است که در تکاپوی هویت طلبی سیاسی هستند. از دهه ۱۹۷۰ ظهور احزاب اسلامی در ترکیه، روشنفکران علوی را به یاد حوادث شوم تاریخی دوران

۱. همان، ص ۱۷۱.

بسیاری از پژوهندگان اعتراضات اخیر ترکیه معتقدند ماهیت این اعتراضات بیش از آنکه به حرکت بنیان‌برافکنانه بهار عربی شباهت داشته باشد بیشتر با جنبش‌های دموکراسی خواهانه در کشورهای دارای سنت و پیشینه دموکراسی مشابهت دارد و به‌طور مثال می‌تواند به جنبش «اشغال وال‌استریت» تشبیه شود

عثمانی انداخت. از این تاریخ، نخبگان علوی در تکاپوی هویت‌یابی سیاسی بر مبنای مکتب علویت برآمدند.^۱ در این زمینه علویان برای اولین بار حزب «بیرلیک» (وحدت) را تأسیس کردند. هر چند این حزب نتوانست به اهداف سیاسی علویان کمک کند، آنان را به این فکر انداخت که نزدیکی به احزاب چپ و راست نمی‌تواند امنیت هویتی و منافع مذهبی‌شان را تأمین کند.^۲ درگیری سنی‌ها و علویان در دهه ۸۰ میلادی و کشته شدن عده‌ای از علویان، تشویش و نگرانی آنان را مضاعف

ساخت. لذا علویان در مارس ۱۹۸۹ بیانیه‌ای صادر کردند که در نوع خود بی‌سابقه بود.

در این بیانیه به وضوح به موارد ذیل اشاره شده است:

- فرقه علوی، یک فرقه از اسلام موجود در ترکیه است.

- در ترکیه بیست میلیون نفر پیرو مذهب علوی زندگی می‌کنند.

- مسلمانان سنی ترکیه چیزی از علویان نمی‌دانند؛ بلکه آنان با توجه به شایعاتی که از دوره عثمانی درباره علویان به جا مانده است، با آنان رفتار می‌کنند و جایز نیست که ذهنیت دوران عثمانی در این عصر وجود داشته باشد.

- ریاست امور دینی ترکیه، فقط نماینده اسلام سنی است.

- دولت ترکیه علویان و حقوق آنان را نادیده می‌گیرد و اظهار می‌دارد که ملت ترکیه سنی‌مذهب است.

در ادامه این بیانیه، ضمن اشاره به ظلم و ستمی که دولت ترکیه در حق علویان روا داشته، بر لزوم آزادی مذهب طبق ماده ۲۴ قانون اساسی ترکیه، داشتن مسجد علوی، جلوگیری از ساختن مسجد سنی و امام جماعت سنی توسط دولت در مناطق علوی‌نشین و جلوگیری از تبلیغ و تدریس علوم دینی در مدارس به صورت رسمی، تأکید شده است. در ۱۳۰ اکتبر ۱۹۹۴ دومین بیانیه علویان توسط جمعیت‌ها و هیئت‌های علوی صادر شد و مورد حمایت قشرهای مختلف جمعیت علویان قرار گرفت. در

۱. رحمت‌الله فلاح، «علویان ترکیه در تکاپوی هویت‌طلبی سیاسی»، *مطالعات منطقه‌ای جهان اسلام*، مؤسسه مطالعات اندیشه‌سازان نور، زمستان ۱۳۸۵، س ۷، ش ۲۸، ص ۳۱-۱۷.

۲. ۱۳۸۵/۱۲/۲۶



این بیانیه آشکارا به الغای ایدئولوژی دولت سنی مذهب و ایجاد حکومت مدنی، عدم حمایت دولت از ریاست امور دینی و قطع بودجه دولت نسبت به این سازمان، اجرای کامل مفهوم لائیک، لغو تعلیم و تدریس فرقه سنی در مدارس، رفع سیطره و حاکمیت یک خاندان و نژاد خاص بر کشور و اجرای بدون کم و کاست تمام بندهای قراردادهای بین‌المللی ترکیه اشاره شده است. در این دوره، به تدریج حرکت‌های تازه‌ای از طرف علویان سر می‌زند که رویکرد جدید آن‌ها را به مسائل سیاسی به وضوح نشان می‌دهد. علویان اخیراً به جای تأکید بر وجوه مشترک خود با گروه‌های دیگر، بر وجوه متمایز فرقه خودشان پافشاری می‌کنند. برای نمونه، علوی‌ها طی چند سال اخیر به تکثیر متونی درباره تاریخ مذهبی، دیدگاه‌های جهانی^۱ و خصایص فرهنگی خودشان اقدام کرده‌اند. آن‌ها حملات زیادی را در شهرها و شهرک‌های مختلف ترتیب داده‌اند که به طور مداوم صورت می‌گیرد و از محلی به نام خانه‌های تیمی^۲ بیشتر به سمت مساجد سنی‌ها هدایت می‌شود.^۳

در شرایط حاضر، فعالان سیاسی علوی، نوع رویکرد سیاسی و مناسباتی را که پیشگامان علوی نسبت به نظام سیاسی داشتند، زیر سؤال می‌برند و آن را خیانت به جامعه علوی ترکیه قلمداد می‌کنند. «تورگوت اوکر» رئیس فدراسیون علویان اروپا در مصاحبه مفصلی با نشریه/آکسیون می‌گوید:

اینکه برخی از رهبران علوی ترکیه از جمله عزالدین دوغان سعی کرده با احزاب مختلف وارد معامله بشود و در پوشش احزاب چپ و راست و حتی اسلام‌گرا وارد بازی سیاسی شود، تأمین‌کننده منافع ملی جامعه علوی نیست، بلکه جامعه علوی را وارد یک مرحله رکود می‌کند.

تورگوت اوکر در بخشی از مصاحبه‌اش گفته است:

تا زمانی که علویان برای خودشان حزب مستقلی تأسیس نکنند، هیچ‌کدام از احزاب ترکیه قادر نخواهند بود و در پی آن نیستند که به

۱. بررسی سایت‌های اینترنتی و مطبوعات وابسته به علویان ترکیه نشان می‌دهد که در مورد مسائل منطقه‌ای و بین‌المللی، به خصوص در مورد مسلمانان، دیدگاه علویان ترکیه صرفاً در چارچوب دیدگاه حکومتی مطرح نمی‌شود. تحلیل محتوای مطالب منتشر شده از طرف علویان ترکیه، بیانگر این است که ضمن حساسیت به مسائل دنیای اسلام، به مسائل شیعیان هم توجه کرده‌اند و جانبدارانه نظر می‌دهند.

نظر مثبت علویان ترکیه به مسئله سوریه نمونه‌ای از دیدگاه مستقلی است که خارج از چارچوب حاکمیت ترکیه منعکس می‌کنند. (رک: اخبار و تحلیل نشریه‌های صدای علویان، ذوالفقار، راه علوی و سایت‌های «علوی خیر»).

2. Congregation Houses

۳. لی. نور. جسی مارتین، چهره‌های جدید/منیت در خاورمیانه، قدیر نصری، تهران، پژوهشکده مطالعات راهبردی، ۱۳۸۳، ص ۲۰۶.



هویت سیاسی و فرهنگی علویان توجه کنند؛ زیرا علوی گری یک باور سیاسی نیست، بلکه یک اعتقاد ریشه‌ای است. احزاب لائیک چگونه می‌توانند این اعتقاد را درک کنند؟^۱

علویان حتی پا را از این مرحله هم فراتر گذاشته‌اند و تهیه منشور مشترک برای کل علویان جهان را خواستارند تا از این طریق، هویت‌شان را از حصار دولت‌ها خارج و خود را به عنوان یک هویت مذهبی و فرهنگی قابل احترام به جهانیان عرضه کنند. تورگوت اوکر معتقد است که نخبگان علوی جهان باید جمع شوند و منشور مشترکی تهیه کنند تا از این طریق، علویان قبرس، بلغارستان، یونان و به طور کلی اروپا و امریکا فعال شوند و در سایه به وجود آوردن تشکل‌های سیاسی و تشکیلاتی شدن، می‌توان خود را در صحنه‌های سیاسی نشان داد.^۲

در راستای تحول ایجادشده در اندیشه سیاسی علویان، نهادها و انجمن‌های سیاسی و فرهنگی مختلفی در داخل و خارج از ترکیه به وجود آمده‌اند که در تقویت هویت سیاسی و فرهنگی علوی فعال‌اند. مهم‌ترین این تشکیلات عبارت‌اند از: تشکل «وقف جم» به رهبری عزالدین دوغان؛ تشکل «وقف اهل بیت» که به شکل شورایی اداره و از طرف اتحادیه اهل بیت اروپا و انجمن سرمایه‌داران حمایت می‌شود؛ اتحادیه اهل بیت اروپا؛ انجمن سرمایه‌داران و صنایع دموکرات که این تشکیلات بیش از سی شعبه در ترکیه دارد؛ «اتحادیه علویان کردستان ترکیه» که حوزه فعالیتی آن در اروپا به‌ویژه در شهر فرانکفورت آلمان است؛ فدراسیون علویان اروپا؛ فدراسیون علویان اتریش؛ اتحادیه فدراسیون علویان بلژیک و مهم‌تر از همه تشکل پیر سلطان ابدال که در ترکیه فعال است.

هر چند علویان به دلیل مشکلات سیاسی و فقر مالی هنوز نتوانسته‌اند حزب مستقلی تشکیل دهند، امروزه در قالب‌های مختلف، از جمله تشکل‌ها و انجمن‌ها هویت و رویکرد سیاسی خود را بروز می‌دهند. البته عوامل مختلفی در رویکرد و هویت‌یابی سیاسی علویان در چند دهه اخیر مؤثر بوده‌اند که در ادامه، به طور خلاصه بیان می‌شود:

الف. پیروزی انقلاب اسلامی در سال ۱۳۵۷، موج عظیمی در بین هویت‌طلبان مسلمان جنبش‌های اسلامی به وجود آورد. در چنین فضایی، در میان علویان

1. www.alevi.com. »Taugutoker:Meclis'te Alevi Kontenjanı istisora 2«

2. www.alevi.com (Turgutoker Alevilevi neca goror)



بخش لائیک جامعه ترکیه بر این باورند که حزب اسلام‌گرای عدالت و توسعه رهبری رجب طیب اردوغان بیش از ۱۰ سال است که اداره جمهوری لائیک ترکیه را در دست گرفته، با ترفندهای مختلف بار و محتوای واژه لائیک را از بین برده، با بیانیه‌های دولت تغییراتی در پوشش زنان، ساخت مسجد و نمازخانه در کنار مؤسسات دولتی و مراکز آموزشی و شیوه زندگی مردم به وجود آورده است. در این میان رشد سریع و پایدار اقتصادی را در ترکیه حزب عدالت و توسعه رهبر آن اردوغان به نام و توانایی مدیریت خود ثبت کرده، همواره سخن از مدل و الگوی ترکیه در بین کشورهای اسلامی به میان می‌آورد

ترکیه نیز فعالیت‌های فردی و گروهی پراکنده، اما فراگیر برای آشنایی با مذهب شیعه دوازده‌امامی صورت گرفت و روند بازگشت به مذهب اهل بیت آغاز شد. از آن تاریخ، روز به روز بر تعداد علویان شیعه‌شده و شعاع فعالیت‌های آموزشی - فرهنگی آنان افزوده می‌شود. در حالی که تا قبل از انقلاب اسلامی کسانی که به طلبگی روی می‌آوردند معمولاً بی‌سواد یا حداکثر تا مقطع ابتدایی درس خوانده بودند و کسی بیشتر از سطح «لمعتین» درس نمی‌خواند؛ معمولاً قسمتی از لمعتین را می‌خواندند و دیگر نمی‌توانستند ادامه دهند؛ در حالی که هم‌اکنون چند صد نفر از آنان در ایران مشغول تحصیل علوم دینی و اسلامی

هستند؛ حتی بعضی از آن‌ها دانشگاه را ترک کرده و به علوم دینی روی آورده‌اند.^۱

ب. قدرت گرفتن احزاب اسلام‌گرا با محوریت مذهب سنی، وحشت تاریخی را دوباره در اذهان علویان زنده و آن‌ها را برای حفظ اعتقادات و امنیت هویتی خویش مترصد کرد. پ. تکرار حوادث خونبار مقابله با علویان در سیواس (سال ۱۹۹۳) و حوالی «غازی عثمان پاشا» در استانبول (سال ۱۹۹۵) در پرتو حکومت‌هایی که حزب جمهوری خواه خلق نیز در آن شرکت داشت و بخش‌های دولتی نیز به دست داشتن در این حوادث متهم شده بودند، باعث وارد آمدن آسیب به علویان شد. در نتیجه، آنان در صدد تقویت هویت و رویکرد سیاست‌شان بر محوریت علویت برآمدند.

ت. روند دموکراتیک شدن حکومت در ترکیه و رعایت معیارهای اتحادیه اروپا برای الحاق به آن. احزاب مختلف ترکیه برای به دست آوردن یا حفظ قدرت نیازمند آرای زیاد علویان بودند. برای نمونه، سلیمان دمیرل، رئیس‌جمهور وقت ترکیه، برای نخستین بار در تاریخ کشور در سال ۱۹۹۴ در مراسم حاجی بکتاش شرکت کرد. دولت اردوغان نیز

۱. در حال حاضر، چند ده نفر از طلاب ترکیه درس خارج، ۲۵ نفر رسایل و مکاسب و کفایه، ۳۰ نفر لمعتین و بقیه دروس مقدماتی را در ایران می‌گذرانند. البته و هر سال چند نفر از آن‌ها در مقاطع مختلف برای تبلیغ به ترکیه باز می‌گردند.

بارها به مطالبات آن‌ها پرداخته یا اشاره کرده است. این‌گونه توجه دولت مردان و احزاب به علویان در پررنگ شدن هویت علوی، به خصوص هویت سیاسی آنان مؤثر واقع شد. از طرفی، فشارهای اتحادیه اروپا برای رعایت حقوق بشر، به خصوص حقوق اقلیت‌ها فرصت جدیدی را برای علویان ایجاد کرد.

۴. قوم‌گرایان کردی رادیکال و ضد صلح: آن‌ها آرمان کردی را در استقلال جست‌وجو می‌کنند و بی‌نتیجه ماندن روند آشتی را دنبال می‌نمایند. (لازم به ذکر است که خود عبدالله اوچالان که روند مذاکره را با دولت اردوغان شروع کرده در پیامی از معترضین حمایت کرده و از آن‌ها خواسته است که اجازه ندهند این حرکت به دست ملی‌گرایان بیفتد.)

مسئله کردهای ترکیه که از سال ۱۹۸۴ و با اتخاذ خط مشی مسلحانه از سوی رهبران حزب کارگران کردستان (پ.ک.ک) ابعاد گسترده‌ای یافت، همواره از چالش‌های دولت‌های این کشور بوده که تاکنون بیش از ۴۰ هزار کشته داشته و هزینه‌های مالی سنگینی بر دولت ترکیه تحمیل کرده است. سیاست اصلی دولت‌های ترکیه در تقابل با این بحران استفاده از قدرت سخت و بی‌توجهی به مطالبات کردهای این کشور بوده به گونه‌ای که هر یک از پذیرش کردها به عنوان قومی با هویت مستقل خودداری کرده و با استفاده از واژه «ترک‌های کوهستان» بر آتش اختلافات قومی افزوده‌اند. این رویکرد با قدرت گرفتن حزب عدالت و توسعه در سال ۲۰۰۲ به میزان قابل توجهی تغییر کرد. سیاست اصلی اردوغان در موضوع کردهای این کشور مبتنی بر استفاده از قدرت هوشمند (ترکیبی از قدرت سخت و نرم) بود. اردوغان از یک سو با ادامه مبارزه مسلحانه با پییکارجویان پ.ک.ک و از سوی دیگر با اعطای برخی آزادی‌های سیاسی و اجتماعی به کردهای این کشور و تعامل با احزاب سیاسی کرد، چون حزب صلح و دموکراسی که از آن به عنوان شاخه سیاسی پ.ک.ک یاد می‌شود، به دنبال پایان دادن به طولانی‌ترین بحران خاورمیانه بود. تأسیس شبکه‌های تلویزیونی به زبان کردی، لغو ممنوعیت آموزش زبان کردی در مدارس کشور، استفاده از زبان کردی در زندان‌ها و دادگاه‌ها و همچنین برچیدن مجسمه‌ها و نمادهای آتاتورک از میادین شهرهای کردنشین از جمله سیاست‌هایی بوده که خشم ناسیونالیست‌ها و سکولارهای این کشور را به دنبال داشته و بر شکاف‌های سیاسی میان سکولارها و ناسیونالیست‌های افراطی از یک سو و حزب عدالت و توسعه از سوی دیگر افزوده است.

۵. ترک‌های ملی‌گرای افراطی: ملی‌گرایان افراطی که نسبت به پروژه آشتی کردی -

ترکی معترض‌اند و چنین می‌پندارند که دولت اردوغان مفاهیم و ارزش‌های ملی‌گرایی ترک را متزلزل نموده است. (لازم به ذکر است که حزب حرکت ملی با وجود انتقاداتش رسماً وارد جریان اعتراضات نشد.)

۶. بخشی از جریان‌های اسلام‌گرای سیاسی: آن‌ها اردوغان را اسلام‌گرایی امریکایی می‌دانند و از تضعیف اردوغان ناخرسند نیستند. جریان‌های فعال شیعی نیز چندان دلخوشی از رفتارهای متعصبانه مذهبی اردوغان ندارند.

۷. لابی سیاسی و اجتماعی برخی بانک‌های متنفذ ترکیه که از کاهش سود تسهیلات معترض‌اند و دنبال انتقام از دولت اردوغان هستند. (این مورد بیشتر ادعای دولتیان است.)

۸. حامیان منطقه‌ای و بین‌المللی جریان‌های معترض‌هم در گسترش و سیاسی شدن قضیه نقش داشتند. آن‌ها اقتدارگرایی دولت اردوغان را مغایر با منافع منطقه‌ای خود تعبیر می‌کنند. با تشدید بحران سوریه، ترکیه در درک منطق ژئوپلیتیک خاورمیانه با غفلت راهبردی روبه‌رو شد و برخورد با آن را نیز در قالب فرمول ساده «تحولات دموکراتیک» محاسبه کرد؛ غافل از اینکه تحولات سوریه یک معادله خطی و غیر پیچیده نبود، بلکه از قواعد معادله‌ای هندسی پیروی می‌کرد که در حوزه‌های ژئوپلیتیک قدرت منطقه‌ای و بین‌المللی تأثیراتی گسترده داشته است و نمی‌توان از عنصر هم‌افزایی آن در ابعاد تحولات منطقه‌ای غافل ماند.

نتیجه رویکرد رادیکال دولت اردوغان به تحولات سوریه، لایه‌ها و سطوح مختلف ترکیه در سطوح ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی را متأثر کرد؛ در حوزه ملی، دولت اردوغان با گسترش حملات شبه‌نظامیان کرد موسوم به پ.ک.ک. مواجه شد که از تحولات منطقه‌ای بهره‌مند شده و تلاش می‌کردند قدرت چانه‌زنی خویش را بالا ببرند؛ به عبارتی در صدد ارتقای جایگاه خود در فضای قطب‌بندی شده منطقه هستند؛ امری که بخشی از توان دولت اردوغان را به تحلیل برده است. نکته مهم این است که ترکیه در محیط پیرامونی و در تنگناهای تلاقی راهبردی بازیگران منطقه‌ای چون ایران، روسیه و عراق همراه با بازیگران فروملی مانند حزب‌الله لبنان و سایر جنبش‌های اسلامی شیعی منطقه واقع شده که می‌تواند بر منافع ملی و منطقه‌ای ترکیه تأثیرات عینی و آنی داشته باشد. در این آشوب‌ها تأثیرات بازیگران خارجی به وضوح قابل مشاهده بود.

۹. وجود دولت پنهان در ترکیه؛ به رغم اینکه برخی بر این باور بودند که با کشف کودتاهای سه‌گانه ارگنه‌کن، بالیوز و قفس، بساط دولت پنهان در ترکیه برچیده شده

است ولی تجربه میدان تقسیم نشان داد که این قدرت زیرزمینی هنوز به طور کامل از بین نرفته است و به محض مهیا شدن شرایط امکان بروز و نقش آفرینی و تأثیرگذاری خواهد داشت. اردوغان که برای تثبیت موقعیت خود و جلوگیری از هرگونه اقدام ارتش، شماری از فرماندهان ارشد قوای مسلح را بازداشت کرد و تحت عنوان «اقدام به کودتا» روانه زندان کرد، طبیعی است که ریشه مخالفان خود را در ارتش نتوانست خشک کند. نام رمز آن کودتا ارگنه کن بود. با دستگیری فرماندهان ارشد ترکیه و بازنشسته کردن شماری از آنها مدافعین لائیسیتته پشت ارتش سنگر گرفتند. اما موفق شدند این فکر را در ترکیه تقویت کنند که اردوغان ترکیه را به سوی یک روش زندگی مذهبی هدایت می کند. نباید فراموش کرد به مدت چندین دهه قدرت در ترکیه به نظامیان تعلق داشت و آنها در طول ده سال گذشته به تدریج با تدبیر حزب عدالت و توسعه و به طور مشخص رجب طیب اردوغان تا میزان زیادی به محل معقول قانونی خود یعنی پادگان‌ها بازگردانده شده‌اند، اما این روند تکمیل نشده و هنوز می‌توانند مزاحمت‌هایی برای دولت ایجاد کنند.

۱۰. معترضان نسبت به ریاستی شدن نظام سیاسی ترکیه و احتمال ریاستی شدن نظام سیاسی و قدرت گرفتن اردوغان؛ به قدرت رسیدن حزبی اسلام‌گرا که بر ساختار سیاسی، اقتصادی کشوری با قانون اساسی سکولار حاکم می‌شد عاملی بود که از همان ابتدا با مخالفت و موضع‌گیری بخش‌هایی از جامعه ترکیه روبه‌رو شد. از همان آغاز بسیاری اردوغان و دولت وی را به تضعیف پایه‌های سکولاریسم متهم کردند. دولتی که با در اختیار داشتن اکثریت پارلمان در صدد اعمال و اجرای سیاست‌های مورد نظر خود بود. اصلاح قانون اساسی ترکیه و انتخاب رئیس‌جمهور از سوی مردم و تلاش‌های رجب طیب اردوغان برای تغییر نظام سیاسی ترکیه از نظام پارلمانی به نظام ریاستی این ظن را در میان گروه‌های سکولار و ناسیونالیست تقویت کرد. به رغم مخالفت احزاب و جریانات سیاسی ناسیونالیست و سکولار، عملکرد مثبت حزب عدالت و توسعه در سیاست و اقتصاد و اتخاذ رویکردی پراگماتیستی و عمل‌گرایانه موجب افزایش مقبولیت حزب عدالت و توسعه و رجب طیب اردوغان در بطن جامعه شده و موازنه قدرت در رقابت‌های سیاسی داخلی را به سود او تغییر داد؛ ولی بر شکاف‌های موجود در جامعه ترکیه هم افزود. در واقع گمانه‌زنی و نگرانی بزرگتر مخالفان این است که پس از اصلاح قانون اساسی و تغییر احتمالی ساختار حکومت ترکیه از سیستم پارلمانی به سیستم ریاستی، اردوغان در صدد تسخیر صندلی ریاست جمهوری در سال ۲۰۱۴ بر خواهد آمد



تا با طیب خاطر و در جامه یک سلطان نوع‌ثمنانی به حکمرانی بپردازد. آن‌ها قبل از ۲۰۱۴ تلاش می‌نمایند با هدف قرار دادن شخصیت اردوغان پیام و مخالفت خود را به احتمال عملیاتی شدن همچو برنامه‌هایی یادآوری کنند.

مطالبات معترضین

درست است که معترضین در شعارهای خود، موضوع استعفای اردوغان را مطرح کردند ولی در لیست مطالباتشان به آن اشاره نکردند؛ چون معتقد بودند که در یک انتخابات زودهنگام باز هم حزب اردوغان پیروز خواهد شد. به هر حال خواسته‌های رسمی تظاهرکنندگان در ۱۰ بند مطرح شد.

۱. عذرخواهی اردوغان
۲. عقب‌نشینی از تغییر کاربری پارک گزی و ساخت هر نوع ابنیه در آن تحت هر اسم و عنوانی
۳. برکناری رؤسای پلیس استانبول و آنکارا
۴. پیگیری آمران و عاملان حمله به تظاهرکنندگان
۵. ممنوعیت استفاده از گاز اشک‌آور
۶. ایجاد یک نماد به اسم مقاومت در پارک گزی
۷. عدم تخریب «مرکز فرهنگی آتاتورک» در میدان تقسیم
۸. عدم تلاش برای تک‌قطبی جلوه دادن ملت ترکیه
۹. آزادی کلیه کسانی که در روزهای اخیر بازداشت شده‌اند.
۱۰. اجازه به تشکیل تجمعات در میادین اصلی شهر

وضعیت مورد انتظار

۱. نیروهای اقلیت و در حاشیه‌مانده از قدرت، به‌نوعی همسویی در کنش‌های سیاسی را تمرین کردند تا اینکه امروزه شکلی از جنبش معترض اجتماعی - سیاسی در مقابل دولت اردوغان و سیاست‌های آمرانه ایشان به‌وجود آمده است. عوامل و شرایط محیطی لازم برای تداوم آن در سطوحی مهیا است؛ یعنی تا زمانی که گروه‌ها و نیروهای تشکیل‌دهنده مطالبات خود را در مسائل عمومی اجتماعی و عام‌المنفعه نگه‌دارند و به دنبال قدرت‌طلبی سیاسی یا بهره‌برداری سیاسی - گروهی نباشند احتمال پایداری جنبش اخیر برای سالیان متوالی در عرصه عمومی ترکیه همواره وجود خواهد داشت.



البته این جنبش مورد توجه رقبای منطقه‌ای و فرمانطقه‌ای ترکیه قرار خواهد گرفت. ۲. دولت اردوغان زور آزمایی نیروهای مخالف در میدان‌ها و خیابان‌ها را درک کرده و مجبور خواهد شد که در رویکردهایش، ملاحظات آن‌ها را داشته باشد. از جمله این ملاحظات توجه به علایق و سلايق مختلف در ترکیه (به‌خصوص توجه به نگرانی بخش سکولار و لائیک جامعه) توجه به مطالبات فرهنگی و عقیدتی علویان ترکیه و رفع تبعیض نسبت به عبادتگاه‌های آن‌ها در حوزه اختصاص بودجه و همچنین ایجاد شرایط برای تدریس اعتقادات آن‌ها در نظام آموزشی، را می‌توان اشاره کرد.

۳. چالش در سیاست ضد سوری و همچنین تضعیف جایگاه ترکیه در تحولات انقلابی جهان عرب؛ باور عمومی بر این است که از رویکرد رادیکال دولت اردوغان در مسئله سوریه کاسته خواهد شد. حداقل از ورود به برخورد مستقیم نظامی علیه سوریه دوری خواهد کرد. دولت اردوغان بر سیاست رادیکال خود بدون توجه افکار عمومی مردم خویش ادامه نخواهد داد و بعد از اعتراضات اخیر بخشی از رویکرد و سیاست تندروانه دولت اردوغان به مراتب غیر آشکار و پیچیده‌تر خواهد شد و همواره ملاحظات جریان‌های معترض را خواهد داشت. در مورد اهداف و راهبردهای ترکیه در تحولات جهان عرب آسیب‌های جدی متوجه سیاست اخوانی‌گرایی ترکیه خواهد شد. ترک‌ها دیگر با اقتدار نخواهند توانست در مورد الگو شدن در انقلاب‌های عربی یا هژمونی‌سازی نظم اخوانی بر سایر نظم‌های موجود در خاورمیانه و شمال آفریقا اقدامات راهبردی انجام دهند.

۴. حزب عدالت و توسعه بعد از این حادثه، با چالش‌های درون‌حزبی بیشتر مواجه خواهد شد؛ چون بخشی از حزب منطق اردوغان را غیرسازنده دانستند و ادامه آن را به صلاح حزب و حتی کشور نمی‌دانند. سخنان عبدالله گل رئیس‌جمهور ترکیه با این مضمون که «دموکراسی فقط انتخابات نیست، بلکه دادن حق اعتراض به مخالفان نیز جزئی از دموکراسی است»، علاوه بر جلب توجه اکثریت مردم ترکیه و به‌خصوص مخالفان، نشانگر وجود زاویه معنی‌دار بین این دو رهبر (حزبی) نیز هست.

۵. جریان‌های اسلام‌گرا و جریان‌های سرمایه‌دار محافظه‌کار مراقب فضاهای طراحی شده از طرف نیروهای سیاسی-اجتماعی و حتی نظامی سکولار خواهند بود و در هر شرایط و مواقعی ظرفیت‌های بسیج سیاسی خود را در قالب نیروهای حامی دولت حزب عدالت و توسعه و به‌خصوص شخص اردوغان به نمایش خواهند گذاشت. در این صورت جلوه‌هایی از دو قطبی شدن هویت سیاسی و اجتماعی جامعه ترکیه قابل



پلیس ترکیه بر اساس یک سنت قدیمی، همواره بر استفاده از قدرت مشت آهنین اصرار ورزیده و در طول ۱۲ سال گذشته، حزب عدالت و توسعه نیز نتوانسته است این منش رادیکالی پلیس ترکیه را تغییر دهد

تصور است. البته هیئت نخبگان و هیئت حاکمه ترکیه مراقب هستند که در هر شرایطی از دو قطبی شدن عرصه سیاسی ترکیه جلوگیری نمایند.

معترضین تلاش خواهند کرد که حرکت‌های

اخیر را در قالب یک جنبش اجتماعی فراحزبی

طراحی و در عرصه عمومی جامعه ترکیه با کارکرد گروه فشار حفظ نمایند. نگاهی به شعارهای معترضان در ششم ژوئن نشان می‌دهد که معترضان تلاش می‌کنند این جنبش را فراتر از حزب سیاسی پایدار نگه‌دارند. تغییرات شعارهای معترضین بر این مبنا بود: «ما از احزاب سیاسی نیستیم، مردم هستیم. ما دین را بدون حزب عدالت و توسعه، آتاتورک را بدون حزب جمهوری خواه خلق، سرزمین مادری را بدون حزب حرکت ملی، و حقوق کردها را بدون حزب صلح و دموکراسی می‌خواهیم. ما مردم هستیم». فحوای شعارها از لحاظ ترکیبی و مختصات، هیچ کدام حتی نمی‌توانند با همدیگر جمع بسته شوند؛ در نتیجه، چنین استدلال می‌شود که این اعتراضات تا زمانی که در سطح مسائل اجتماعی و عام‌المنافع باقی بماند به نقطه عطفی در تاریخ ترکیه تبدیل خواهد شد.

۶. گسترش فشار و سخت‌گیری خارجی بر ترکیه به‌ویژه از سوی اتحادیه اروپا - روسیه؛ در این زمینه مخالفین سرسخت عضویت ترکیه، با از دست دادن بهانه احقاق حقوق قومی کردها، اکنون اعتراضات اجتماعی را جایگزین آن خواهند کرد. البته در این زمینه تلاش‌های روسیه در عرصه داخلی ترکیه قدرت خواهد گرفت. روس‌ها سال‌هاست که نسبت به فضای عمومی ترکیه و بسترهای اجتماعی آماده فاصله گرفتن بودند و حتی بر این باور بودند که چپ‌های ترکیه قابلیت‌های خود را در عرصه چالش‌سازی سیاسی - امنیتی از دست داده‌اند ولی بعد از حوادث اخیر توجه روسیه به سازمان‌های چپ‌گرای ترکیه افزایش یافت و روندها و سیگنال‌های محیطی بیانگر این است که در آینده توجه روسیه بر سازمان‌های چپ‌گرای ترکیه به مراتب افزایش خواهد یافت.

۷. ارتقای هویت سیاسی و ژئوپلیتیک علویان ترکیه؛ ارزیابی‌های مختلف از تبارشناسی اعتقادی معترضین نشان داد که اکثریت معترضان دارای اعتقادات علوی بودند. رفتار آن‌ها در قالب شبکه‌های غیر متمرکز فعال بود. آن‌ها روندهای نوینی به وجود آوردند که در چارچوب‌های این روندها مطالبات تاریخی فرهنگی خود را پیگیری کنند. انتظارات غالب در این حوزه بر این مبناست که علویان ترکیه در حوزه سیاسی منسجم‌تر و

طلبکارانه‌تر در مقابل حکومت سنی مذهب ظاهر خواهند شد. مسلماً این روند، در کانون توجه جدی نهادهای فرهنگی جمهوری اسلامی ایران قرار خواهد گرفت و ظرفیت جدیدی در همکاری علویان ترکیه و ایران به وجود خواهد آمد.

سرانجام سخن

حزب اسلام‌گرای عدالت و توسعه با تمام موفقیت‌هایی که در حوزه‌های اقتصادی و بین‌المللی داشته ولی این باعث نشده که تمام سیاست‌های این حزب مورد اقبال گروه‌ها و احزاب مختلف واقع شود. امروزه دولت و شخص اردوغان با مجموعه‌ای از چالش‌های محیط داخلی و بین‌المللی مواجه است. اردوغان علاوه بر حزب جمهوری خلق و حزب حرکت ملی گرا به عنوان احزاب مخالف، با طرفداران تیم‌های فوتبال، مخالفان «گزی پارکی» گروه‌های صاحب سرمایه و در رأس آن‌ها «گروه کوچ» (حتی در سطحی با گروه فتح‌الله گولن) دچار تنش و درگیری شده است. ایشان همچنین با جناح سازشکار درون حزب عدالت و توسعه هم زاویه پیدا کرده است. چنانکه بین بلنت آرنج معاون نخست‌وزیر و اردوغان تنش آشکار شده است. البته مهم‌ترین چالش این دولت با ارتش خواهد شد که برخی از بلندپایه‌های سابق ارتش به اتهام پرونده ارگنه کن به ده‌ها سال زندان محکوم شده و ده‌ها نفر نیز به صورت اجباری بازنشسته شده‌اند. مسلماً ارتش از جنبش اخیر رضایت داشت و تداوم آن را به نفع می‌دید.

حکومت حزب عدالت و توسعه در سیاست خارجی نیز درگیری به وجود آورده است. در خاورمیانه با بلوک جمهوری اسلامی ایران و عراق و سوریه و حزب‌الله دچار تنش شده است. روسیه نیز در قبال اردوغان سیاست محتاطانه‌ای در پیش گرفته است. اردوغان با مصر نیز بعد از سقوط دولت مرسی وارد یک تنش دیپلماتیک شده است. روابط اردوغان با سعودی‌ها به خاطر حوادث مصر با سوء ظن همراه است. روابط ترکیه با امیر جدید قطر نیز خوب نیست. درباره روابط آمریکا و حزب عدالت و توسعه نیز سؤالاتی جدی مطرح است و همچون سابق حسنه نیست. جهان غرب که طی ده سال اخیر اردوغان را مرد برتر معرفی می‌کردند، اکنون به شدت وی را تخریب می‌کنند. روابط حکومت حزب عدالت و توسعه با اتحاد اروپا بعد از حوادث مصر دارای چالش است.

با این حال، پیروزی در سه دوره متوالی انتخابات پارلمانی در ترکیه و دارا بودن بیش از ۴۹ درصد آرای مردمی در انتخابات ۱۱ ژوئن ۲۰۱۱ که رشد ۱۰ درصدی را در مقایسه با اولین پیروزی حزب عدالت و توسعه در انتخابات پارلمانی ۲۰۰۲ ترکیه به همراه دارد،





نشان دهنده پایگاه مستحکم اجتماعی اردوغان و حزب او در این کشور است. حوادث اخیر در ترکیه بی تردید بر آینده سیاسی اردوغان و حزب او در مقطع حساس زمانی کنونی و نزدیک به انتخابات ریاست جمهوری سال ۲۰۱۴ که برای اولین بار رئیس جمهور منتخب از سوی مردم و نه مجلس انتخاب می شود و همچنین انتخابات پارلمانی ۲۰۱۵ تأثیر گذار خواهد بود. اما از سوی دیگر جامعه ترکیه صرفاً معترضین در خیابان های ترکیه نیستند. بسیاری از مردم ترکیه کماکان از سیاست های دولت حمایت می کنند و درخواست اردوغان از طرفداران خود برای حضور در خیابان ها و حمایت از او گویای وجود پایگاه اجتماعی او در میان مردم ترکیه است. از این رو پیش بینی اینکه پیروز این دوئل سیاسی اپوزیسیون و یا دولت خواهد بود امری سخت است و تنها باید منتظر ماند و باز خورد آن را در انتخابات پیش رو دید.